

کادوسه «kaduse» نماد پزشکی تالشان

شهرام آزموده

* تقدیم به همه پزشکان تالش؛ خصوصاً پزشک دلسوخته؛ دکتر **یدالله طاهری تالش** که تمام لحظات زندگی خود را صرف خدمت به تالش و تالشان نموده است.

حتماً همه شما با نماد پزشکی آشنا هستید. یک کاسه، یک چوبدستی و یک مار که به دور یک محور قائم (چوبدستی) پیچیده است؛ نماد و علامت پذیرفته شده علم پزشکی در سطح جهان است. گاه این علامت با شکل‌های متفاوتی هم دیده می‌شود. مثل دو مار به دور یک چوب که دارای دو بال است. یا یک مار به دور یک چوب بالدار و... معمولاً بر روی بسته‌های دارویی مار این علامت را در حال نوشیدن می‌بینیم. این علامت را کادوسه *kāduse* می‌نامند. بله کادوسه! نامی که قبل از هر چیز یادآور نامواژه کادوس *kādus* نام قدیمی تالش امروزی است. اما آیا هیچ اندیشیده‌اید که چرا آن را کادوسه می‌نامند؟ گفته می‌شود نام این علامت یعنی کادوسه از واژه ای یونانی یعنی کادوسوم *caduceum* گرفته شده است که به معنای بشیر است. و البته معانی دیگری چون آورنده پیام‌ها و قاصد اعلان جنگ‌ها، مخبر جشن‌های بزرگ، اعلام‌کننده جنگ‌های تن‌به‌تن و... هم برایش گفته‌اند. کلمه کادوسه به معنای خروس هم آمده است که پیام‌آور آفتاب است. این نماد در سال 1798 در انقلاب کبیر فرانسه به عنوان علامت افسران بهداشتی انتخاب شد. و... در افسانه‌های یونانی هم در این باره صحبت‌هایی شده است. در آن افسانه‌ها پیاله را متعلق به هیژری دختر اسکولاپ می‌دانند که در حال غذا دادن به مارها است و... چون پدرش اسکولاپ که طبیب بود برای طبابت از مارها و سگ‌ها کمک می‌گرفت و آنها را وادار به مکیدن و لیسیدن دمل‌های چرکی بیماران می‌کرد. و... بعد از زنده نگه داشتن نام او سکه‌هایی ساخته شد که اسکولاپ و مارهایش را می‌شد روی آنها دید. البته بعد از نماد پزشکی با نماد تجارت که دو مار در حال جنگ را نشان می‌داد به نوعی به هم آمیخته شد و به جای یک مار نماد پزشکی دو مار نماد تجارت جای گرفتند. در حالی که چون دو مار در حال جنگ بودند حلقه‌ای برای اتصال و یکی کردن آنها و دو بال کبوتر که نماد صلح است روی چوبدستی قرار گرفت و شکل اصلی آن عوض شد. گفته می‌شود کادوسه نمادی از مار شفا دهنده موسی هم هست. حتی آن را نشانه پیوستگی دو جنس هم می‌دانند. که حاصل آن باروری است که شیره حیات در آن است و در حال فوران و ریختن در کاسه است. و... (نقل معنی از مقاله‌ای چاپ شده در روزنامه همشهری) در این نوشته قصد دارم درباره کادوسه مطالبی برایتان بنویسم و بعد روایتی از یک نقل قدیمی برایتان نقل کنم. به عبارتی قصد دارم به این پرسش که چرا نماد پزشکی را کادوسه نامیده‌اند؛ پاسخ بدهم.

اگر چه برای کسی معلوم نیست که از چه زمانی این علامت به عنوان نماد پزشکی مورد قبول واقع شده است؛ ولی سال‌های بسیار دوری است که این علامت در محافل علمی دنیا و یا بر سر در و تابلوهای داروخانه‌ها و سردر بیمارستان‌ها و مهر پزشکان و مهرهای شرکت‌ها و بیمارستان‌ها و... دیده می‌شود.

اما این پرسش ممکن است در ذهن هر تالشی ایجاد شود که چرا نام این نماد کادوسه است؟ و اصلاً چه ربطی به قوم کادوس دارد؟ و صد البته پاسخ دادن به این پرسش غیرممکن به نظر می‌رسد؛ مگر آن که در لا به لای فرهنگ شفاهی

تالشان به دنبال رد پای آن باشیم و چیزی به دست آوریم. در این نوشته قصد ادعای یافتن پاسخ پرسش مذکور را ندارم؛ اما قصدم از ارائه این مطالب کمک به یافتن پاسخ پرسش مذکور است.

باور کنید وقتی چند سال پیش که برای اولین بار نامواژه کادوسه به گوشم خورد؛ ارتباط این واژه و نامواژه کادوس (نام باستانی قوم تالش که در بسیاری از آثار نویسندگان باستان آمده است) همیشه برایم یک پرسش بود. تا این که به یاد نقلی افتادم که در کودکی از زبان پدرم (که روحش شاد باد) شنیده بودم. یک نقل تالشی که شاید پاسخ پرسش مرا در خود داشت. و اینک نوشتن این مقاله بها نه ای شد تا، هم آن نقل در جایی ثبت شود و هم در پی پاسخگویی به یک پرسش برآیم.

و اما آن نقل تالشی:

در روزگاران بسیار قدیم در جایی چوپانی زندگی می کرد که روزگارش از طریق دامداری می گذشت. این دامدار هر روز که شیر گوسفندانش را می دوشید یک کاسه از آن را در کناری می گذاشت تا ماری که از مدت ها پیش با چوپان دوست شده بود؛ آن را بنوشد! مار هرروز که برای نوشیدن شیر می آمد؛ پس از نوشیدن شیر سکه ای را که با خود آورده بود داخل کاسه می گذاشت و می رفت. آن مرد چوپان هم با آن سکه به حل مشکلات زندگی خود می پرداخت.

سال ها شرایط به همین منوال گذشت و در آن سال ها کار آن چوپان و آن مار هرروزه تکرار می شد. تا این آن پیر مرد به بیماری لاعلاجی دچار شد. هرچه کوشید تا راه درمان بیماری خود را بیابد؛ موفق نشد. شرایط مرد چوپان تا به آن جا رسید که همه از او فرار می کردند و مرد چوپان را نیز توان تحمل این شرایط نبود. هر روز غمگین تر از روز قبل می شد. مدت ها به همان منوال گذشت. تنها مونس آن مرد بیچاره هم که هر روز به دیدنش می آمد همان مار بود که آن هم مرد از ترس نیش مار جرأت نزدیک شدن به آن را نداشت. در یکی از روزها که مرد غمگین و افسرده تر از روز قبل گوسفندانش را دوشیده بود و کاسه شیر را در جای مخصوص گذاشته بود تا مار بیاید و آن را بنوشد و سکه ای برای مرد چوپان در کاسه بیندازد؛ اتفاقی متفاوت افتاد که مرد چوپان تا آن زمان هرگز چنان چیزی را ندیده بود. قضیه از این قرار بود که وقتی مار شیر را نوشید، ناگهان حالش به هم خورد و حالت تهوع به او دست داد و در کاسه استفراغ کرد! مرد که از دیدن این صحنه عجیب مات و مبهوت بود؛ نمی دانست چه کند. اما ناگهان فکری به ذهنش رسید. با خود گفت: من که به یک بیماری لاعلاج مبتلا شده ام و تا چند مدت آینده خواهم مرد. پس چه بهتر که خودم را راحت تر بکنم. نه دردی را تحمل کنم و نه شاهد فرار مردم از خود و عذاب های روحی آن باشم. حالا که مار هم بیمار است و حالش خوب نیست و امروز در کاسه من به جای پول، استفراغ خود را ریخته است؛ فرصتی بهتر از این نمی توان یافت. بهتر است استفراغ مار را سر بکشم؛ تا هرچه زودتر بمیرم. چون مواد داخل کاسه هم در خود سم مار را دارد که کشنده است و هم بیماری مار با آن همراه است که برای من انسان کشنده است. مرد چوپان چنین گفت و به ناگاه مواد داخل کاسه را سر کشید!! با این امید که تا چند لحظه دیگر خواهد مرد. اما این اتفاق نیفتاد و آن مرد چوپان از آن روز به بعد هر روز حس می کرد که نسبت به روز قبل شرایط خوبی پیدا می کند! روز به روز شرایط جسمی اش بهتر شد و بهتر شد؛ تا این که بیماری اش هم درمان شد. او پس از آن روز سال ها به زندگی عادی خود ادامه داد. در حالی که بیماری لاعلاج او که گویا بیماری جُزام بود، با نوشیدن استفراغ مار درمان شده بود. راهی که تا آن زمان هیچ پزشکی آن را نیازموده بود و کسی درمان بیماری فوق را نمی دانست!

با دقت در قصه تالشی فوق (که سعی کرده ام آن را پس از سال ها، آنگ و نه که در ذهنم مانده بود نقل نمایم) می توان پاسخی برای این که چرا کاسه و مار و چوبدستی به عنوان نماد پزشکی انتخاب شده ، یافت وهم به پاسخ پرسش وجه تسمیه کادوسه رسید. اگر چه شاید دلایل دیگری در انتخاب نام کادوسه برای نماد پزشکی دخیل بوده است؛ ولی این ادعا که انتخاب این نام اتفاقی بوده غلط است وحتماً ارتباطی با کادوس و کادوسیان داشته است.البته دور از نظر نمی توان داشت که حضرت زرتشت که پیامبر تالشان بوده، بنا به نوشته بسیاری از پژوهشگران؛ پزشکی دانا بوده است. و شاید وجود ایشان در دنیای پزشکی و استفاده ایشان از روش های پزشکی سنتی و باستانی تالشی سبب شده تا این نام برای نماد پزشکی انتخاب شود ؛ که اگر چنین باشد، این خود دلیل بسیار خوبی برای پیشرفت علمی تالشان در گذشته ها خصوصاً در رشته پزشکی می باشد.

"منبع: ماهنامه تالش - شماره 25"

برگرفته از " انجمن ادبی استاد هارون شفیقی عنبران "